



The Role of Psychological Capital and Differentiation of Self in Predicting Emotional Divorce in Female Teachers

Fatemeh Alijani^{1*}, Shahnaz Najafi², Fatemeh Nazari³

1- Assistant Professor, Psychology of Department, Faculty of Humanities and Arts, Abhar Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.

2- Master's Degree in Family Counselling, Department of Psychology, Faculty of Humanities & Arts, Abhar Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.

3- Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Humanities and Arts, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.

Corresponding author: Fatemeh Alijani, Assistant Professor, Psychology of Department, Faculty of Humanities and Arts, Abhar Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.

Email: ftm.Alijani@gmail.com

Received: 5 Dec 2020

Accepted: 27 May 2022

Abstract

Introduction: Emotional divorce is an abnormality in the family system that, although it does not lead to the separation of couples, but their married life lacks love, companionship and friendship and has negative consequences for the functioning of the family. The aim of this study was to determine the role of psychological capital and differentiation self in predicting emotional divorce in female teachers in Zanjan.

Methods: The present study was performed by descriptive-correlation method. The statistical population included all female teachers in education district 2 of Zanjan in 2019. The statistical sample was 274 people based on Krejcie & Morgan formula which was selected by convenience sampling method. In this study, demographic questionnaire, "Emotional Divorce Scale", "Differentiation of Self Scale" and "Psychological Capital Scale" were used. Content validity by qualitative method, and reliability by internal consistency method were evaluated by calculating Cronbach's alpha coefficient. The collected data were analyzed in SPSS. 25.

Results: Between psychological capital ($R=0.36, P<0.05$) and its components including self-efficacy ($R=-0.46, P<0.05$), hopefulness ($R=-0.46, P<0.05$), resilience ($R=0.37, P<0.05$) and optimism ($R=0.50, P<0.05$) were negatively correlated with emotional divorce. Between differentiation ($R=-0.43, P<0.05$) and its components including emotional reactivity ($R=0.25, P<0.05$), My position ($R=0.48, P<0.05$), positive correlation with emotional divorce and correlation between emotional divorce ($R=0.44, P<0.05$) and fusion with others ($R=-0.43, P<0.05$) with emotional divorce there was a negative. The results showed that psychological capital and differentiation together could explain 30% of the variance of emotional divorce in women ($P<0.05$).

Conclusions: Emotional divorce in women was predicted by psychological capital and differentiation. Therefore, it is recommended to counselors and family psychologists, considering the role of these variables in emotional divorce, with the help of couples to increase psychological capital and adjust differentiation. They should prevent emotional divorce.

Keywords: Psychological Capital, Differentiation of Self, Emotional Divorce.



نقش سرمایه روانشناختی و تمایز یافتگی خود در پیش بینی طلاق عاطفی در معلمان زن شهر زنجان

فاطمه علیجانی^{۱*}، شهناز نجفی^۲، فاطمه نظری^۳

۱- استادیار، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی و هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ابهر، زنجان، ایران.

۲- کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی و هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ابهر، زنجان، ایران.

۳- استادیار، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی و هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان، زنجان، ایران.

نویسنده مسئول: فاطمه علیجانی، استادیار، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی و هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ابهر، زنجان، ایران.
ایمیل: ftm.Alijani@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۱۴

چکیده

مقدمه: طلاق عاطفی نوعی نابهنجاری در نظام خانواده است که اگرچه به جدایی زوج ها منجر نمی شود، اما زندگی زناشویی آن ها فاقد عشق، مصاحبت و دوستی است و پیامدهای منفی برای کارکرد خانواده دارد. هدف پژوهش تعیین نقش سرمایه روانشناختی و تمایز یافتگی در پیش بینی طلاق عاطفی در معلمان زن شهر زنجان می باشد.

روش کار: مطالعه حاضر به روش توصیفی- همبستگی انجام شد. جامعه آماری شامل تمام معلمان زن ناحیه ۲ آموزش و پرورش شهر زنجان در سال ۱۳۹۸ بود. نمونه آماری بر اساس فرمول Krejcie & Morgan ۲۷۴ تن بودند که به صورت در دسترس انتخاب شدند. در این مطالعه از پرسشنامه جمعیت شناختی، "مقیاس طلاق عاطفی (Emotional Divorce Scale)"، "مقیاس تمایز یافتگی (Differentiation of Self Scale)" و "مقیاس سرمایه روانشناختی" (Psychological Capital Scale) استفاده شد. روایی محتوا به روش کیفی و پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه ها بررسی شد. داده های جمع آوری شده در نرم افزار اسپس پی اس اس نسخه ۲۵ تحلیل شد.

یافته ها: بین سرمایه روانشناختی ($P < 0.05, R = -0.36$) و زیر مقیاس های آن شامل خودکارآمدی ($P < 0.05, R = -0.46$)، امیدواری ($P < 0.05, R = -0.46$)، تاب آوری ($P < 0.05, R = -0.37$) و خوش بینی ($P < 0.05, R = -0.50$) با طلاق عاطفی همبستگی منفی وجود داشت. بین تمایز یافتگی ($P < 0.05, R = -0.43$) و مؤلفه های آن شامل واکنش پذیری عاطفی ($P < 0.05, R = 0.25$)، جایگاه من ($P < 0.05, R = 0.48$)، با طلاق عاطفی همبستگی مثبت و بین قطع عاطفی ($P < 0.05, R = 0.44$) و آمیختگی با دیگران ($P < 0.05, R = -0.43$) با طلاق عاطفی همبستگی منفی وجود داشت. نتایج نشان داد که سرمایه روانشناختی و تمایز یافتگی در مجموع قادرند ۳۰ درصد از واریانس طلاق عاطفی را در زنان تبیین کنند ($P < 0.05$).

نتیجه گیری: طلاق عاطفی در زنان توسط سرمایه روانشناختی و تمایز یافتگی پیش بینی شد. بنابراین، به مشاوران و روانشناسان خانواده پیشنهاد می شود ضمن توجه به نقش این متغیرها در طلاق عاطفی، با کمک به زوج ها برای افزایش سرمایه روانشناختی و تعدیل تمایز یافتگی آن ها، از طلاق عاطفی پیشگیری کنند.

کلیدواژه ها: سرمایه روانشناختی، تمایز یافتگی خود، طلاق عاطفی.

مقدمه

خانواده به لحاظ قدمت، ابتدایی ترین و از لحاظ گستردگی جهان شمول ترین نهاد اجتماعی است. خانواده واحدی با ابعاد گوناگون است که به دلیل اهمیت و جایگاه ویژه اش از دیرباز مورد توجه اندیشمندان اجتماعی بوده است. واکنش متقابل خانواده، چگونگی کیفیت زندگی آن و تأثیر آن بر اجزا و نهادهای دیر جامع، اندیشمندان را بر آن داشته است که با رویکردهای مختلف به مطالعه این واحد اجتماعی بپردازند (۱).

طلاق (divorce) یک مشکل خانوادگی است. آمارهای به ثبت رسیده، نشان دهنده میزان رو به افزایش طلاق رسمی است. اما در این میان طلاق عاطفی (emotional divorce) پدیده ای پنهان و ثبت نشده در زندگی بسیاری از زوج هاست که اگرچه زن و شوهر به طور رسمی از هم جدا نمی شوند، اما بدون هیچ احساس و عاطفه ای نسبت به هم ندارند و فقط به صورت هم خانه به زندگی خود ادامه می دهند (۲). در این موارد، علل متفاوتی از جمله محدودیت های فرهنگی، قومی و اجتماعی و مشکلات اقتصادی مانع از رسیدن به مرحله طلاق رسمی می شود. در این حالت پس از مدتی زوجین از نظر عاطفی وارد موقعیت بی تفاوتی می شوند که آخرین مرحله روابط احساسی بین زن و مرد است. رسیدن به مرحله طلاق عاطفی نیز آسیب های جدی و جبران ناپذیری را برای خانواده به همراه دارد (۳). به عبارتی، طلاق عاطفی نوع دیگری از طلاق و پدیده بسیار مهمی است که در هیچ جا به ثبت نمی رسد. این نوع طلاق مربوط به خانواده هایی است که به دلایلی مانند سنت های حاکم بر خانواده یا باورهای نادرست و نگرش های منفی جامعه به زنان مطلقه، ترس و نگرانی از تنهایی، از دست دادن فرزندان یا ناتوانی در تامین نیازهای زندگی تصمیم می گیرند که به اجبار با همسرشان زیر یک سقف زندگی کنند (۴). کودکان خانواده هایی که دچار مشکل در روابط شان هستند در معرض انواع مشکلات رفتاری و عاطفی هستند و علائمی همچون رفتار عنادورزی، پرخاشگری و علائم افسردگی از خود نشان می دهند (۵). طلاق عاطفی آثار و پیامدهای زبانبار جسمی و روانی بر زوجین دارد. به عنوان مثال، باستانی و همکاران (۶) از نتایج مطالعه خود دریافتند که طلاق عاطفی موجب بروز مشکلات و فشارهای روانی از قبیل افسردگی، اضطراب، کاهش اعتماد به نفس، گوشه گیری و انزوا و ابتلا به بیماری های جسمی و روان

تنی در زنان می شود (۵). رسیدن به مرحله طلاق عاطفی می تواند علل مختلفی داشته باشد از جمله: کار و اشتغال بیش از حد، مشکلات اقتصادی و مالی، اختلاف در زمینه مسائل زناشویی و جنسی، داشتن زمینه های متفاوت فرهنگی و تربیتی، داشتن سرگرمی های متفاوت و عدم توافق بر سر نحوه گذراندن اوقات فراغت و برخی ویژگی های شخصیتی مانند خودخواهی ها، زیاده خواهی ها، غرور و لجبازی، تنوع طلبی، بی اعتمادی و عزت نفس پایین (۷). طلاق عاطفی می تواند تحت تأثیر عوامل روانشناختی مختلفی از جمله سرمایه روانشناختی (psychological capital) و تمایز یافتگی خود (differentiation of self) قرار داشته باشد.

سرمایه روانشناختی یک صفت مثبت از ویژگی های فردی است که و استعدادها را ارتقا می بخشد. این سازه افراد را در مقابل کارهای روزمره مثل، کارکردن موثر، انجام مسئولیت ها و نگاه مثبت به آینده بدون کوچک شمردن سختی ها، کارآمد می کند. Luthans و همکاران (۸) چهار بعد سرمایه روانشناختی شامل امیدواری، خودکارآمدی، تاب آوری و خوش بینی را مشخص کردند. با توجه به تغییرات اجتماعی اقتصادی اخیر، تمرکز بر سرمایه روانشناختی در افراد یک موضوع پایه ای است زیرا آن ها بعداً در زندگی دوره های سنگین و فشار را در خانواده و مسئولیت های اجتماعی و خانوادگی احساس می کنند. Peterson & Luthans (۹) در مطالعه خود نشان دادند که سرمایه روانشناختی پیش بینی کننده عملکرد کاری و موفقیت در زندگی است. Avey و همکاران (۱۰) یک رابطه قوی بین سرمایه روانشناختی افراد و توانایی شان در مقابله با مشکلات در یک شیوه خلاقانه و اصیل پیدا کردند. Chen & Lim (۱۱) در یک نمونه از کسانی که شغلشان را از دست داده بودند بیان کردند که سرمایه روانشناختی سبب کنارآمدن سازگارانه گردید که بر حل مشکل و جستجو شغل فعال تمرکز می کردند. نتایج یک مطالعه فراتحلیل توسط Avey و همکاران (۱۲) نشان داد که سرمایه روانشناختی به طور مثبت همراه با رضایت شغلی، سلامت روانشناختی، رفتارهای مشارکتی و نتایج شغلی و خانوادگی مثبت است و به طور منفی با اضطراب، تنش مربوط به شغل و خانواده و رفتارهای ناسازگارانه در خانواده همراه است.

در مطالعات اخیر، پژوهشگران نشان داده اند که سرمایه روانشناختی پیش بینی کننده، رضایت شغلی و زناشویی، تعهد سازمانی، بهزیستی روانشناختی است (۱۳، ۱۴). Culbertson و

طرفی، چنین فرض می شود که تمایز یافتگی و سرمایه روانشناختی، توان پیش بینی طلاق عاطفی را دارد؛ اما از آنجا که تاکنون هیچ پژوهشی به بررسی این موضوع در نمونه ای از زنان معلم نپرداخته است؛ لذا پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش تمایز یافتگی و سرمایه روانشناختی در پیش بینی طلاق عاطفی در زنان معلم شهر زنجان انجام شد.

روش کار

مطالعه حاضر به روش توصیفی- همبستگی انجام شد. جامعه آماری شامل تمام معلمان زن متأهل مقطع ابتدایی ناحیه ۲ شهر زنجان در سال ۱۳۹۸ بود. طبق آمار آموزش و پرورش شهر زنجان، تعداد آن ها برابر با ۹۳۶ تن بود. از بین ۲ ناحیه آموزش و پرورش (ناحیه ۱ و ناحیه ۲)، ناحیه ۲ به روش تصادفی ساده به روش قرعه کشی انتخاب شد. در مرحله بعد، بعد از مراجعه به مدارس ابتدایی دخترانه ناحیه ۲ شهر زنجان، معلمان زن متأهل که معیارهای ورود به پژوهش را داشتند، به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب وارد مطالعه شده نمونه آماری بر اساس فرمول Krejcie & Morgan (۲۶) ۲۷۴ تن بودند. برای نمونه گیری از روش نمونه گیری در دسترس استفاده شد.

معیارهای ورود به پژوهش عبارت بودند از: ۱- سکونت در شهر زنجان، ۲- دامنه سنی ۲۰ تا ۵۰ سال، ۳- در زمان انجام پژوهش متأهل بوده و به طور مشترک با همسرشان زندگی کنند و تجربه اولین ازدواج را داشته باشند ۵- تمایل و رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش. معیارهای خروج شامل نقص در تکمیل پرسشنامه ها بود. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه های زیر استفاده شد.

پرسشنامه جمعیت شناختی شامل ۳ سوال در مورد سن، میزان تحصیلات و سابقه کار بود.

«مقیاس سرمایه روانشناختی» (Psychological Capital Scale) توسط Luthans و همکاران (۲۷) در سال ۲۰۰۸ در Nebraska-Lincoln ساخته شده، و در بین دانشجویان و کارکنان دانشگاه Nebraska-Lincoln هنجاریابی شده است. مقیاس دارای ۲۴ عبارت با گزینه کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم و کاملاً موافقم در مقیاس لیکرت است که به ترتیب از ۱ تا ۵ شماره گذاری می گردد و جمع نمره ها نمره کل را تشکیل می دهد. حداقل نمره ۲۴ و حداکثر آن ۱۲۰ می باشد. ابزار دارای ۴ زیر

همکاران (۱۵) نشان دادند که سلامت روانشناختی همراه با میزان بهزیستی روانشناختی و رضایت زناشویی است. نتایج مطالعه Li (۱۶) بر روی مدرسین دانشگاه پینگدینگشان در چین، نشان داد که سرمایه روانشناختی با بهزیستی روانشناختی همبستگی دارد. نتایج پژوهش Cheung و همکاران (۱۷)، Leon-Perez و همکاران (۱۸) بر روی معلمان نشان داد که همبستگی سرمایه روانشناختی با رضایت شغلی، مثبت و با فرسودگی شغلی منفی است.

تمایز یافتگی خود، در سطح درون روانشناختی شامل توانایی تمایز فرایندهای احساسات از فرایندهای فکری است. تمایز یافتگی مطلوب، فرد را قادر می سازد که در رابطه عاطفی شدید یا در شرایط دشوار نامطمئن خودش باقی بماند (۱۹، ۲۰). در حیطه بین فردی، تمایز یافتگی به توانایی تجربه استقلال و صمیمیت با دیگران بر می گردد. افراد تمایز یافته تر، قادرند بدون اینکه احساس نادیده گرفته شدن و ترس و اضطراب های ناشی از جدایی داشته باشند، استقلال بیشتری در روابطشان تجربه کنند (۲۱).

تعدادی از پژوهش ها ارتباط بین تمایز یافتگی و رضایت زناشویی را بررسی کرده اند. برای مثال کاظمیان مقدم و همکاران (۲۲) در پژوهش خود نشان دادند که بین تمایز یافتگی و دلزدگی زناشویی ارتباط منفی معناداری وجود دارد و تمایز یافتگی در تبیین و پیش بینی دلزدگی زناشویی نقش دارد. ساداتی و همکاران (۲۳) نیز ضمن پژوهش خود گزارش کردند که رابطه معناداری میان تمایز یافتگی با دلزدگی زناشویی وجود دارد. نتایج پژوهش Gabelman (۲۴) نیز نشان داد که بین تمایز یافتگی و رضایت از رابطه زناشویی در مردان و زنان همبستگی مستقیمی وجود داشت. رضوانی و صائمی (۲۵) در پژوهشی نشان دادند که تمایز یافتگی و طلاق عاطفی همبستگی منفی وجود داشت. از میان ابعاد مختلف خودتمایز یافتگی، رابطه بین ۳ متغیر واکنش پذیری عاطفی، قطع عاطفی و آمیختگی با دیگران با طلاق عاطفی، مثبت بود. بعلاوه، همبستگی بین جایگاه من با طلاق عاطفی، منفی بود.

با توجه به اینکه معلمان زن به دلیل چند نقشی بودن و حساسیت در انجام دقیق وظایف، تعارض نقش بیشتری را در مقایسه با مردان تجربه می کنند، این گروه مورد مطالعه قرار گرفتند. با مروری بر مطالعات گذشته در مورد طلاق عاطفی، می توان گفت تمایز یافتگی و سرمایه روانشناختی از پیش بینی کننده های طلاق عاطفی در افراد است. از

مقیاس شامل امید (hope)، دارای ۶ عبارت (عبارت های ۱ تا ۶)، تاب آوری (resilience)، دارای ۶ عبارت (عبارت های ۷ تا ۱۲)، خودکارآمدی (self-efficacy)، دارای ۶ عبارت (عبارت های ۱۳ تا ۱۸)، و خوش بینی (optimism)، دارای ۶ عبارت (عبارت های ۱۹ تا ۲۴) است. برای به دست آوردن نمره سرمایه روا نشناختی نمره زیر مقیاس ها باهم جمع می شوند Luthans و همکاران (۲۷) «مقیاس سرمایه روانشناختی» برای اندازه گیری شاخص روایی محتوا ابزار را در اختیار ۹ تن از متخصصان مدیریت اداری دانشگاه Nebraska-Lincoln قرار دادند که ۰/۷۹ به دست آمد. پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ با ۳۶۷ تن از دانشجویان رشته مدیریت دانشگاه Nebraska-Lincoln عدد ۰/۸۸ و ثبات به روش بازآزمایی پس از ۱ ماه ۰/۷۸ به دست آمد. در پژوهش دیگری Luthans و همکاران (۲۸) روایی محتوای «مقیاس سرمایه روانشناختی» را با استفاده از روش نسبت روایی محتوا مورد بررسی قرار دادند. به همین منظور مقیاس در اختیار ۱۰ تن متخصصان مدیریت دانشگاه Midwestern قرار گرفت و ۰/۷۴ به دست آمد. پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ در بین ۲۶۳ تن از دانشجویان مدیریت همان دانشگاه بررسی و ضریب آلفا کرونباخ کل سوالات ۹/۸۹ و برای زیر مقیاس امید، ۰/۸۰، تاب آوری، ۰/۷۲، خودکارآمدی، ۰/۸۴ و خوش بینی، ۰/۷۹ به دست آمد.

در ایران نیز صرامی و همکاران (۲۹) روایی صوری «مقیاس سرمایه روانشناختی» را، بر اساس نگارش، جمله بندی و ظاهر منطقی توسط ۱۰ تن از متخصصان مدیریت در حوزه رفتار سازمانی کارشناسان شرکت ایران خودرو، مورد بررسی قرار دادند. متخصصان اهمیت هریک از عبارت ها در طیف ۵ درجه ای لیکرت را مشخص نمودند. نتایج این قسمت نشان داد که تمام عبارت های پرسشنامه از نظر متخصصان تأثیر بیشتر از ۱/۵ دارند و تأیید شدند. پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ در بین ۲۵۰ تن از کارکنان ایران خودرو دیزل برای مؤلفه های امید ۰/۸۹، تاب آوری، ۰/۸۷، خودکارآمدی، ۰/۸۸ و خوش بینی، ۰/۸۹ به دست آمد. روایی سازه به روش روایی همگرایی ابزار نیز با استفاده از ضریب همبستگی هر یک از عبارت ها با زیر مقیاس های خودش مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج به ترتیب ۰/۶۸، ۰/۷۲، ۰/۶۹ و ۰/۶۵ گزارش و تأیید شد. در پژوهش رجایی و همکاران (۳۰) ویژگی های

روانشنجی «مقیاس سرمایه روانشناختی» را در بین ۳۲۵ تن از کارکنان آموزش و پرورش بررسی نمودند. روایی سازه با استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که ابزار دارای ۴ عامل است. همچنین روایی سازه به روش روایی همگرایی ابزار با استفاده از آزمون ضریب همبستگی به دست آمد. نتایج نشان داد، همبستگی بین کل مقیاس و با زیر مقیاس های آن ۰/۷۶ می باشد. پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ در بین ۳۵۰ تن از کارکنان مناطق شش گانه آموزش و پرورش اصفهان به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ ۰/۸۹ برای کل مقیاس به دست آمد و برای زیر مقیاس های امید ۰/۸۳، تاب آوری، ۰/۷۰، خودکارآمدی، ۰/۸۷ و خوش بینی، ۰/۷۳ گزارش شد.

«سیاهه خود تمایز یافتگی» (Differentiation of Self Inventory) در سال ۱۹۹۸ توسط Skowron & Friedlander (۳۱) در دانشگاه Albany طراحی گردید. سیاهه دارای ۴۳ عبارت است و در قالب ۴ مولفه شامل واکنش پذیری عاطفی (emotional reactivity) شامل ۱۱ عبارت شامل ۴۰، ۳۸، ۳۴، ۳۰، ۲۶، ۲۱، ۱۸، ۱۴، ۱۰، ۶ و ۱، جایگاه من («I Position») شامل ۱۱ عبارت شامل ۴۳، ۴۱، ۳۵، ۳۱، ۲۷، ۲۳، ۱۹، ۱۵، ۱۱، ۷ و ۴، قطع عاطفی (emotional cutoff) شامل ۱۲ عبارت شامل ۴۲، ۳۹، ۳۶، ۳۲، ۲۸، ۲۴، ۲۰، ۱۶، ۱۲، ۸، ۳، ۲، و آمیختگی با دیگران (fusion with others) شامل ۹ عبارت شامل ۳۷، ۳۳، ۲۹، ۲۵، ۲۲، ۱۷، ۱۳، ۹، ۵ و در طیف لیکرت ۶ بخشی) ابدأ در مورد من صحیح نیست = ۶ تا کاملاً در مورد من صحیح است = ۱ (اندازه گیری شده است (۳۰). حداقل نمره کسب شده، ۴۳ و حداکثر آن نیز ۲۵۸ می باشد. نمره بالا در هر مؤلفه نشان دهنده تمایز یافتگی بالاتر است. روایی سازه به روش تحلیل عاملی تأییدی بر روی ۱۶۰ بزرگسال (۱۱۱ زن و ۵۸ مرد) ۳ مولفه فوق را تأیید کرد. پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ بر روی ۲۲۵ نمونه، ۰/۹۲ و پایایی زیرمقیاس های واکنش پذیری عاطفی، جایگاه من، قطع عاطفی و آمیختگی با دیگران به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۸۶، ۰/۸۱ و ۰/۸۴ محاسبه گردید (۳۲).

در پژوهش Buser & Gibson (۳۳) روایی سازه به روش روایی واگرا «سیاهه خود تمایز یافتگی»، بر روی ۳۴۹ تن از دانشجویان ۳۱-۱۸ سال دانشگاه Rider در آمریکا با « پرسشنامه اختلال خوردن» (Eating Disorder Questionnaire) ۰/۲۶ و پایایی به روش همسانی درونی با

ضریب آلفا کرونباخ به میزان ۰/۹۳ محاسبه گردید. در پژوهش حاضر روایی محتوا به روش کیفی «مقیاس سرمایه روانشناختی»، «سیاهه خود تمایز یافتگی» و «مقیاس طلاق عاطفی» مورد تایید ۱۱ تن از مدرسین گروه روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر رسید. پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ بر روی ۱۲۰ تن از معلمان زن متأهل شهر زنجان انجام شد. نمره کل «مقیاس سرمایه روانشناختی»، ۰/۸۵ و برای مؤلفه های امید ۰/۶۳، تاب آوری، ۰/۷۲، خودکارآمدی، ۰/۶۸، و خوش بینی، ۰/۶۹ و برای نمره کل «مقیاس تمایز یافتگی خود» ۰/۷۹ و زیر مقیاس های واکنش پذیری عاطفی ۰/۷۲، جایگاه من ۰/۶۸، قطع عاطفی ۰/۷۴ و هم آمیختگی با دیگران ۰/۷۱ بدست آمد. بعلاوه، پایایی «مقیاس طلاق عاطفی» با محاسبه ضریب کودر-ریچادسون بر روی نمونه فوق، ۰/۸۲ محاسبه شد.

برای جمع آوری داده ها، ابتدا مجوز ورود به مدارس برای انجام پژوهش از آموزش و پرورش زنجان دریافت شد. سپس، به ۲ ناحیه ۲ آموزش و پرورش شهر زنجان مراجعه شد. سپس به معلمان زن متأهل که معیارهای ورود به پژوهش را داشتند، به روش نمونه گیری دردسترس انتخاب و به پرسشنامه ها پاسخ دادند. میزان تقریبی تکمیل پرسشنامه ها ۳۰ دقیقه بود. جمع آوری داده ها در مدت حدود ۲ ماه انجام شد. محل جمع آوری داده ها مدارس واقع در ناحیه ۲ آموزش و پرورش شهر زنجان بود و توزیع و جمع آوری پرسشنامه های پژوهش در ساعات اداری مدرسه (در نوبت صبح از ساعت ۸ تا ۱۲ و در نوبت عصر از ساعت ۱۴ تا ۱۷) انجام شد. در این پژوهش ملاحظات اخلاقی شامل رعایت صداقت و امانت داری علمی، رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش، رعایت حق ناشناس ماندن شرکت کنندگان و محرمانه نگه داشتن اطلاعات آن ها مورد توجه قرار گرفته است.

برای تحلیل داده ها در بخش آمار توصیفی از فراوانی، درصد، میانگین و انحراف استاندارد و بخش آمار استنباطی برای بررسی همبستگی بین متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون و برای بررسی میزان پیش بینی طلاق عاطفی از روی تمایز یافتگی و سرمایه روانشناختی از رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام استفاده شد. داده ها با استفاده از نرم افزار اس پی اس اس، نسخه ۲۵ تحلیل شد.

محاسبه ضریب آلفا کرونباخ بر روی نمونه فوق، ۰/۸۰ محاسبه گردید.

در ایران نیز در پژوهش اسکیان و همکاران (۳۴) روایی محتوایی کیفی «سیاهه خود تمایز یافتگی»، توسط ۱۰ تن از مدرسین روانشناسی دانشگاه خوارزمی تأیید شده است و پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ با نمونه ۲۶ دانش آموزان، ۰/۸۸ محاسبه شد. در پژوهش یوسفی (۳۵) روایی سازه به روش روایی همگرایی «سیاهه خود تمایز یافتگی» با «مقیاس عاطفه منفی/عاطفه مثبت» (Positive Affectivity/ Negative Affectivity Scale)، ۰/۳۸ و روایی سازه به روش روایی واگرایی «سیاهه خود تمایز یافتگی» با استفاده از «فهرست علایم ۹۰ تجدید نظر شده» (Symptoms Checklist-90-Revised) بر روی ۱۲۵ تن از زنان و مردان شهرستان سنندج ۰/۴۲ - گزارش شد. پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ بر روی نمونه فوق، ۰/۸۹ محاسبه گردید.

«مقیاس طلاق عاطفی» (Emotional Divorce Scale) در سال ۱۹۹ توسط Gottman در آمریکا ساخته شد (۳۶). مقیاس تک عاملی بوده و دارای ۲۴ عبارت به شکل ۲ گزینه ای (بله و خیر) است. حداقل نمره کسب شده توسط پاسخگو، صفر و حداکثر آن نیز ۲۴ می باشد. پس از جمع کردن پاسخ های مثبت، چنانچه تعداد آن برابر ۸ و بالاتر باشد، به معنای این است که زندگی زناشویی فرد در معرض جدایی قرار داشته و علائمی از طلاق عاطفی - مشهود است. مقالات خارجی برای بررسی روایی و پایایی خارجی این پرسشنامه منتشر نشده است.

در ایران در پژوهش رضوانی و صائمی (۲۵) روایی صوری «مقیاس طلاق عاطفی» توسط ۷ تن از اعضای هیأت علمی پژوهشکده زنان دانشگاه الزهرا تأیید گردید، اما پایایی آن گزارش نشده است. در پژوهش موسوی و همکاران (۳۷) روایی سازه به روش تحلیل عاملی اکتشافی بر روی تعداد ۲۰۰ زن و مرد متأهل ساکن شهر قزوین که حدود ۵ سال از ازدواج آن ها گذشته بود، بررسی شد و ۴ عامل شامل جدایی و فاصله از یکدیگر، احساس تنهایی و انزوا، نیاز به همراه و همدم و احساس بی حوصلگی و بی قراری شناسایی شد. عبارت های مربوط به هر عامل توسط پژوهشگران مشخص نشده اند. مقادیر اشتراک و بار عاملی سوالات نشان داد که بار عاملی همه سوالات در دامنه ۰/۴۹ تا ۰/۸۰ قرار دارد. پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه

یافته ها

پژوهش بین ۱۰-۱ سال سابقه کار، ۱۱۵ تن (۴۱/۹۸ درصد) بین ۲۰-۱۱ سال و ۹۷ تن (۳۵/۴۰ درصد) دارای ۳۰-۲۱ سال سابقه کار بودند. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش در جدول ۱ گزارش شده است.

۱۷۸ تن (۶۴/۹۷ درصد) بین ۲۰-۳۰ سال، ۷۳ تن (۲۶/۶۴ درصد) بین ۳۱-۴۰ سال و ۲۳ تن (۸/۳۹ درصد) بین ۵۰-۴۱ سال داشتند. ۱۷۴ تن (۶۳/۵۱ درصد) از شرکت کنندگان مدرک کارشناسی و ۱۰۰ تن (۳۶/۴۹ درصد) مدرک کاردانی داشتند. ۶۲ تن (۲۲/۶۲ درصد) از معلمان زن شرکت کننده در

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
خودکارآمدی	۲۴/۳۰	۳/۹۶
امیدواری	۲۱/۴۸	۴
تاب آوری	۲۰/۶۱	۴/۱۶
خوش بینی	۲۱/۳۰	۴/۸۳
سرمایه روانشناختی	۸۷/۶۹	۱۴/۲۵
واکنش پذیری عاطفی	۲۷/۷۲	۴
جایگاه من	۲۵/۲۶	۷/۲۹
قطع عاطفی	۳۱/۰۵	۴/۲۸
آمیختگی با دیگران	۴۲/۳۷	۷/۹۸
تمایز یافتگی خود	۱۲۶/۴۲	۸/۴۷
طلاق عاطفی	۱۰/۵۵	۳/۰۴

بین متغیرهای پژوهش از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد (جدول ۲).

در گام بعدی، پس از تأیید مفروضه نرمال بودن داده ها از طریق آزمون کولموگروف اسمیرنوف، برای تعیین همبستگی

جدول ۲: ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۱	خودکارآمدی	۱										
۲	امیدواری	۰/۵۸*	۱									
۳	تاب آوری	۰/۶*	۰/۷۴*	۱								
۴	خوش بینی	۰/۵*	۰/۶*	۰/۶۳*	۱							
۵	سرمایه روانشناختی	۰/۴۵*	۰/۵۶*	۰/۷*	۰/۶*	۱						
۶	واکنش پذیری عاطفی	۰/۳۲*	۰/۳۵*	۰/۲۹*	۰/۲۵*	۰/۲۷*	۱					
۷	جایگاه من	۰/۳*	۰/۳۱*	۰/۳۲*	۰/۳۵*	۰/۲۹*	۰/۲۵*	۱				
۸	قطع عاطفی	۰/۲۱*	۰/۲۵*	۰/۲۶*	۰/۲*	۰/۲۶*	۰/۲۵*	۰/۲۶*	۱			
۹	آمیختگی با دیگران	۰/۳۷*	۰/۳۶*	۰/۲۵*	۰/۳۳*	۰/۳۱*	۰/۳*	۰/۳۵*	۰/۳۲*	۱		
۱۰	تمایز یافتگی	۰/۲۵*	۰/۲*	۰/۳۲*	۰/۳۳*	۰/۳۴*	۰/۳*	۰/۳*	۰/۲*	۰/۲۱*	۱	
۱۱	طلاق عاطفی	۰/۳۶*	۰/۴۶*	۰/۴۶*	۰/۳۷*	۰/۵۰*	۰/۲۵*	۰/۵۵*	۰/۴۸*	۰/۴۴*	۰/۴۳*	۱

n= ۲۷۴, *p<۰/۰۵, ** p<۰/۰۱

فاطمه علیجانی و همکاران

قطع عاطفی ($P < 0.05$, $R = 0.44$) و آمیختگی با دیگران ($P < 0.05$, $R = -0.43$) با طلاق عاطفی همبستگی منفی وجود داشت. در گام آخر برای تبیین طلاق عاطفی زنان بر اساس سرمایه روانشناختی و تمایز یافتگی خود از آزمون رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده شد. همچنین بررسی مفروضه های تحلیل رگرسیون نشان داد که بین نمره های متغیرهای پژوهش حالت نرمال بودن چندگانه برقرار بود و هم خطی چندگانه وجود نداشت (جدول ۳).

نتایج همبستگی پیرسون در جدول ۲ حاکی از آن است که بین سرمایه روانشناختی ($P < 0.05$, $R = -0.36$) و زیرمقیاس های آن شامل خودکارآمدی ($P < 0.05$, $R = -0.46$)، امیدواری ($P < 0.05$, $R = -0.46$)، تاب آوری ($P < 0.05$, $R = -0.37$) و خوش بینی ($P < 0.05$, $R = -0.50$) با طلاق عاطفی همبستگی منفی وجود داشت. بین تمایز یافتگی ($P < 0.05$, $R = -0.43$) و مؤلفه های آن شامل واکنش پذیری عاطفی ($P < 0.05$, $R = 0.25$)، جایگاه من ($P < 0.05$, $R = 0.48$)، با طلاق عاطفی همبستگی مثبت و بین

جدول ۳: نتایج رگرسیون گام به گام پیش بینی طلاق عاطفی براساس سرمایه روانشناختی و تمایز یافتگی خود

الگو	متغیرهای پیش بین	F	P-value	R ²	Beta	T	P-value
گام ۱	سرمایه روانشناختی	۱۲/۵۸	۰/۰۰۱	۰/۲۰	۰/۳۹	۶/۶۸	۰/۰۰۱
گام ۲	سرمایه روانشناختی + تمایز یافتگی	۴۲/۱۷	۰/۰۰۱	۰/۳۰	۰/۲۵	۴/۲۸	۰/۰۰۱

بر اساس جدول ۳، نتایج نشان داد که در گام اول سرمایه روانشناختی می تواند ۲۰ درصد واریانس طلاق عاطفی را تبیین کند و در گام دوم سرمایه روانشناختی و تمایز یافتگی می توانند ۳۰ درصد واریانس طلاق عاطفی را تبیین کنند. بر اساس جدول ۳، نتایج نشان داد که در گام اول سرمایه روانشناختی می تواند ۲۰ درصد واریانس طلاق عاطفی را تبیین کند و در گام دوم سرمایه روانشناختی و تمایز یافتگی می توانند ۳۰ درصد واریانس طلاق عاطفی را تبیین کنند.

بحث

پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش سرمایه روانشناختی و تمایز یافتگی در پیش بینی طلاق عاطفی در معلمان زن شهر زنجان انجام شد. نتایج نشان داد که بین سرمایه روانشناختی و زیر مقیاس های آن شامل خودکارآمدی، امیدواری، تاب آوری و خوش بینی با طلاق عاطفی همبستگی منفی وجود داشت، بدین معنی که با افزایش سرمایه روانشناختی در زنان، میزان طلاق عاطفی آن ها کاهش پیدا می کند. نتایج نشان داد که سرمایه روانشناختی می تواند طلاق عاطفی را در زنان پیش بینی کند. نتایج بدست آمده در زمینه همبستگی سرمایه روانشناختی و طلاق عاطفی با یافته های مطالعات Peterson & Luthans (۹) و Avey و همکاران (۱۰)، Chen & Lim (۱۱) و Avey و همکاران (۱۲) که همبستگی سرمایه روانشناختی و کارکردهای زوجی شامل رضایت و سازگاری زناشویی را مورد تأیید قرار دادند، همخوان است. در تبیین همبستگی منفی سرمایه روانشناختی و طلاق عاطفی و پیش بینی طلاق عاطفی از روی سرمایه روانشناختی می توان گفت که داشتن سرمایه روانشناختی مطلوب افراد را قادر می سازد تا علاوه بر مقابله بهتر

از سرمایه روانشناختی مطلوب در افراد است. داشتن سرمایه روانشناختی مطلوب برای انجام کامل وظایف و نقش‌ها و در نتیجه عملکرد بهینه ضروری است و در چارچوب خانواده می‌توان گفت زمانی که این نیازها ارضا شوند و به خوبی پرورش یابند، باعث بهبود عملکرد خانواده می‌شود که آن هم به نوبه خود بر کاهش طلاق عاطفی تأثیر می‌گذارد (۳۹).

نتیجه دیگر مطالعه حاضر نشان داد که بین تمایز یافتگی و مؤلفه‌های آن شامل واکنش‌پذیری عاطفی، جایگاه‌من، با طلاق عاطفی همبستگی مثبت و بین قطع عاطفی و آمیختگی با دیگران با طلاق عاطفی همبستگی منفی وجود داشت، بدین معنی با افزایش واکنش‌پذیری عاطفی، جایگاه‌من، طلاق عاطفی افزایش می‌یابد ولی با کاهش قطع عاطفی و آمیختگی با دیگران طلاق عاطفی افزایش پیدا می‌کند. نتایج نشان داد که تمایز یافتگی می‌تواند طلاق عاطفی را در زنان پیش‌بینی کند. نتایج بدست آمده در زمینه همبستگی تمایز یافتگی و طلاق عاطفی با یافته‌های مطالعات Gabelman (۲۴)، کاظمیان مقدم و همکاران (۲۲)، ساداتی و همکاران (۲۳) و رضوانی و صائمی (۲۵) که همبستگی تمایز یافتگی خود و کارکردهای زوجی شامل رضایت، سازگاری زناشویی و طلاق عاطفی را مورد تأیید قرار دادند، همخوان است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که افراد کمتر تمایز یافته ممکن است خودشان را همانند احساساتشان از دیگران مجزا کنند، اهمیت خانواده را انکار کنند و یک نمای افراطی از استقلال را نشان دهند. در نهایت این که افرادی که بیشترین همجوشی را بین افکار و احساساتشان دارند، ضعیف‌ترین کارکرد را دارند، آن‌ها احتمالاً تحت سلطه واکنش‌های عاطفی خودکار یا غیرارادی هستند و معمولاً حتی در برابر سطوح پایین اضطراب هم دچار بدکارکردی می‌شوند که این عوامل می‌توانند منجر به بروز اختلاف و ناسازگاری و نهایتاً طلاق عاطفی زوج‌ها گردند. در واقع تمایز یافتگی یکی از زمینه‌های لازم برای سازش یافتگی ارتباطی است و از آن جهت اهمیت دارد که تأثیر خانواده بر نحوه تفکر احساس و رفتار اعضای خانواده نشان می‌دهد (۴۰). آمیختگی با دیگران را می‌توان بسته به فرهنگ جمع‌گرایی ایرانیان دانست. در فرهنگ جمع‌گرایی ایرانیان افراد هویت را در جمع جستجو می‌کنند، بنابراین، هرچه تمایز یافتگی فرد بالاتر و بیشتر باشد متعاقباً گرایش به طلاق عاطفی وی نیز کمتر

می‌گردد. افراد تمایز نیافته، بیشتر واکنشی‌تر هستند و نیرو خود را خرج احساسات می‌کنند. همچنین این افراد زمانی که احساسات شدیدی در جریان است آن را انکار و اهمیت خانواده را کمتر می‌کنند و سعی می‌کنند از خود استقلال نشان دهند. کسانی که بین افکار و احساسات پیوند وجود ندارد ضعیف‌ترین کارکرد را خواهند داشت. آن‌ها تحت تأثیر واکنش‌های افراطی خودکار قرار می‌گیرند که این عوامل می‌توانند منجر به بروز اختلاف و ناسازگاری و نهایتاً طلاق عاطفی زوجین گردند. در واقع تمایز یافتگی یکی از زمینه‌های لازم برای سازش یافتگی ارتباطی است و از آن جهت اهمیت دارد که تأثیر خانواده بر نحوه تفکر و رفتار اعضای خانواده نشان می‌دهد. همجوشی عاطفی را می‌توان بسته به فرهنگ جمع‌گرایی ایرانیان دانست (۳۳)، بنابراین، هرچه تمایز یافتگی فرد بالاتر و بیشتر باشد متعاقباً گرایش به طلاق عاطفی نیز کمتر می‌گردد.

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که بین سرمایه روانشناختی با طلاق عاطفی همبستگی منفی وجود داشت. بین تمایز یافتگی خود پایین با طلاق عاطفی همبستگی مثبت وجود داشت سرمایه روانشناختی و تمایز یافتگی توانستند طلاق عاطفی را در زنان پیش‌بینی کردند و نقش سرمایه روانشناختی بیشتر از تمایز یافتگی بود. پیشنهاد می‌گردد مشاوران و روانشناسان خانواده به منظور کاهش و پیشگیری از طلاق عاطفی در زوج‌ها، به آموزش و توسعه ابعاد سرمایه روانشناختی شامل خودکارآمدی، امیدواری، تاب‌آوری، خوش‌بینی در زوج‌ها بپردازند و علاوه بر آن با تعدیل تمایز یافتگی آن‌ها، از طلاق عاطفی پیشگیری کنند. از محدودیت‌های پژوهش، جمع‌آوری داده‌ها با پرسشنامه‌های خودگزارشی، استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس و انتخاب معلمان زن شهرزنان بود که تعمیم آن به زوج‌های سایر شهرها با احتیاط صورت بگیرد.

سپاسگزاری

مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره شهناز نجفی به راهنمایی خانم دکتر فاطمه علیچانی با کد اخلاق IR.IAU.Z.REC.1399.049 در کمیته اخلاق دانشگاه آزاد، واحد زنجان به نشانی <https://ethics.research.ac.ir/EthicsProposalView.php?id=140257> مورد تصویب

تضاد منافع

نویسندگان مقاله حاضر هیچ گونه تضاد منافی گزارش نکردند.

قرار گرفته است. در پایان از شرکت کنندگان در پژوهش که در انجام پژوهش همکاری داشتند، تقدیر و تشکر می شود.

References

1. Szapocznik J, Hervis O E. Brief strategic family therapy. American Psychological Association. 2020. <https://doi.org/10.1037/0000169-000>
2. Akbari E, Azimi Z, Talebi S, Fahimi S. [Prediction of couples' emotional divorce based on early maladaptive schemas and emotion regulation's components. *Clinical Psychology and Personality*].2020; 14(2): 79-92.
3. Vannier S, O'Sullivan L F. Examining unmet romantic expectations and dating relationship outcomes using an investment model framework. *Journal of Social and Personal Relationships*.2017; 35(8):12-25. <https://doi.org/10.1177/0265407517703492>
4. Barzoki M H, Tavakoll M, Burrage H. Rational-emotional 'divorce 'in Iran. *Applied Research in Quality of Life*.2015; 10(1): 107-122. <https://doi.org/10.1007/s11482-014-9303-9>
5. Hashemi L, Homayuni H. Emotional divorce: Child's well-being. *Journal of Divorce & Remarriage*. 2017; 58(8): 631-644. <https://doi.org/10.1080/10502556.2016.1160483>
6. Bastani S, Golzari M, Roshanni Sh. Attendance of emotional divorce in family., *Family Research*. 2012;7(2): 547-551. <https://www.sid.ir/en/Journal/ViewPaper.aspx?ID=240283>.
7. Gottman J, Ryan K, Swanson C, Swanson K. Proximal change experiments with couples: A methodology for empirically building a science of effective interventions for changing couples' interaction. *Journal of Family Communication* 2005; 5(3):163-90. https://doi.org/10.1207/s15327698jfc0503_1
8. Luthans F, Youssef C, Avolio BJ. *Psychology Capital*; Oxford University Press: New York, NY, USA. 2015. https://www.academia.edu/22943737/Psychological_Capital_Developing_the_Human.
9. Peterson SJ, Luthans F. The positive impact and development of hopeful leaders. *Leadership & Organization Development Journal*. 2003; 24(1): 26-31. <https://doi.org/10.1108/01437730310457302>
10. Avey JB, Avolio BJ, Luthans, F. Experimentally analyzing the impact of leader positivity on follower positivity and performance. *The Leadership Quarterly*. 2011; 22(2): 282-294. <https://doi.org/10.1016/j.leaqua.2011.02.004>
11. Chen DJ, Lim, VK. Strength in adversity: The influence of psychological capital on job search. *Journal of Organizational Behavior*. 2012; 33 (6): 811-839. <https://doi.org/10.1002/job.1814>
12. Avey JB, Reichard RJ, Luthans F, Mhatre KH. Meta-analysis of the impact of positive psychological capital on employee attitudes, behaviors, and performance. *Human Resource Development Quarterly*. 2011; 22(2): 127-152. <https://doi.org/10.1002/hrdq.20070>
13. Kanengoni H, Ngarambe CN, Buitendach JH. Psychological capital and work behavior-related outcomes among South African church ministers. *South African Journal of Psychology*. 2018; 48(4): 488-500. <https://doi.org/10.1177/0081246317729571>
14. Singhal H, Rastogi R. Psychological capital and career commitment: the mediating effect of subjective well-being. *Management Decision*. 2018;56(2) 458-473. <https://doi.org/10.1108/MD-06-2017-0579>
15. Culbertson SS, Fullagar CJ, Mills MJ. Feeling good and doing great: The relationship between psychological capital and well-being. *Journal of Occupational Health Psychology*. 2010; 15(4): 421-433. <https://doi.org/10.1037/a0020720>
16. Li Y. Building well-being among university teachers: The roles of psychological capital and meaning in life. *European Journal of Work and Organizational Psychology*.2018;27(5):594-602. <https://doi.org/10.1080/1359432X.2018.1496909>
17. Cheung F, Tang C, Tang S. Psychological capital as a moderator between emotional labor, burnout, and job satisfaction among school teachers in China. *International Journal of Stress Management*. 2011; 18(4): 348-371. <https://doi.org/10.1037/a0025787>
18. Leon-Perez JM, Antino M, Leon-Rubio

- JM. Adaptation of the short version of the Psychological Capital Questionnaire (PCQ-12) into Spanish. *Revista de Psicología Social*. 2017; 32(1): 196-213. <https://doi.org/10.1080/02134748.2016.1248024>
19. Crabtree S A, Bell C A, Rupert DA, Sandage S J, Devor N G, Stavros, G. Humility, differentiation of self, and clinical training in spiritual and religious competence. *Journal of Spirituality in Mental Health*. 2020; 1-21. <https://doi.org/10.1080/19349637.2020.1737627>
 20. Peixoto-Freitas J, Rodríguez-González M, Crabtree S A, Martins M V. Differentiation of self, couple adjustment and family life cycle: A cross-sectional study. *The American Journal of Family Therapy*. 2020; 48(4): 299-316. <https://doi.org/10.1080/01926187.2020.1736689>
 21. Skowron E A. The role of differentiation of self in marital adjustment. *Journal of Counseling Psychology*. 2000; 47(2): 229-237. <https://doi.org/10.1037/0022-0167.47.2.229>
 22. Kazemian Moghaddam K, Mehrabizadeh Honarmand M, Kiamanesh A, Hoseinian S. [The role of differentiation, life meaningfulness and forgiveness in predicting marital disaffection in the married female students. *Research of Psychological Methods and Models*]. 2017; 9(33): 35-50. http://jppmm.miau.ac.ir/article_3014.html?lang=en.
 23. Sadati S, Mehrabizade Honarmand M, Soudani M. The causal relationship of differentiation, neuroticism, and forgiveness with marital disaffection through mediation of marital conflict. *The Journal of Family Psychology*. 2015; 1(2): 55-68. <http://ijfp.ir/article-1-60-en.html>.
 24. Gabelman E. The effects of locus of control and differentiation of self on relationship satisfaction. Honors Research thesis. The Ohio State University. 2012. <http://hdl.handle.net/1811/52006>
 25. Rezvani H, Saemi H. Correlation between self-differentiation and neuroticism with emotional divorce in married students of Azad Shah Azad University. *Journal of Health Promotion Management*. 2019; 8 (2) :23-30. <http://jhpm.ir/article-1-912-fa.html>.
 26. Krejcie RV, Morgan DW. Determining sample size for research activities. *Educational and Psychological Measurement*. 1970; 30(3): 607-610. <https://doi.org/10.1177/001316447003000308>
 27. Luthans F, Avolio BJ, Avey JB, Norman SM. Positive psychological capital: Measurement and relationship with performance and satisfaction. *Personnel Psychology*. 2007; 60(3): 541-572. <https://doi.org/10.1111/j.1744-6570.2007.00083.x>
 28. Luthans F, Avey JB, Avolio BJ, Peterson SJ. The development and resulting performance impact of positive psychological capital. *Human Resource Development Quarterly*. 2010; 21(1): 41-67. <https://doi.org/10.1002/hrdq.20034>
 29. Serami G, Akhondi N, Alipour A, Erab KH. [Certification and review of the factor structure of the psychological capital questionnaire in Iran Khodro experts]. *Quarterly Journal of Psychological Studies*. 2015; 10(3): 76-98. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=250291>
 30. Rajaei A, Nadi M A, Jafari AR. [Characteristics of psychometric measurement of positive psychological capital among the staff of Isfahan Education and Training Headquarters]. *Knowledge and Research in Applied Psychology*. 2017; 18 (3): 94-108. http://jsr-p.khuisf.ac.ir/article_538047.html
 31. Skowron EA, Friedlander ML. The Differentiation of Self Inventory: Development and initial validation. *The Journal of Counseling Psychology*. 1998; 45(3): 235-46. <https://doi.org/10.1037/0022-0167.45.3.235>
 32. Skowron E A, Schmitt T A. Assessing interpersonal fusion: Reliability and validity of a new DSI fusion with others subscale. *Journal of Marital and Family Therapy*. 2003; 29(2): 209-22. <https://doi.org/10.1111/j.1752-0606.2003.tb01201.x>
 33. Buser JK, Gibson S. Differentiation and eating disorder symptoms among males. *The Family Journal*. 2013; 22(1): 17-25. <https://doi.org/10.1177/1066480713504903>
 34. Eskian P, Sanaei Zaker B, Navabinejad S. [The effect of psychodrama on increasing the individual self-differentiation of the main family of high school girl students in district 5 of Tehran]. *Journal Counseling Research*. 2008; 7(25): 27-42. <https://www.sid.ir/en/journal/ViewPaper.aspx?ID=154243>.
 35. Yoosefi N. Evaluation of psychometric indices of the Family Self-Separation Scale (DSI-2).

- Journal of Family Counseling & Psychotherapy. 2011; 1: 19-38. <http://ensani.ir/fa/article/367764>.
36. Gottman J. The Marriage Clinic: A Scientifically-based Marital Therapy: WW Norton & Co; 1999. <https://www.amazon.com/Marriage-Clinic-Scientificallly-Professional-Hardcover/dp/0393702820>.
37. Moosavi S, Rahi I, Nejad A. Comparison of the statuses of interpersonal identity between married women and men according to the status of emotional divorce. Journal of Applied Psychology Research. 2015;6(1):11-23. <https://www.magiran.com/paper/1464679/?lang=en>
38. Youssef-Morgan CM, Luthans F. Psychological Capital Theory: Toward a positive holistic model. In Advances in Positive Organizational Psychology. Emerald Group Publishing Limited. 2013. [https://doi.org/10.1108/S2046-410X\(2013\)0000001009](https://doi.org/10.1108/S2046-410X(2013)0000001009)
39. Luthans F, Youssef-Morgan C M. Psychological capital: An evidence-based positive approach. Annual Review of Organizational Psychology and Organizational Behavior. 2017; 4(1): 339-366. <https://doi.org/10.1146/annurev-orgpsych-032516-113324>
40. Cavus M F, Gokcen A. Psychological capital: Definition, components and effects. Journal of Education, Society and Behavioral Science. 2015; 5(3):244-255. <https://doi.org/10.9734/BJESBS/2015/12574>
41. Homaei R, Dasht Bozorgi Z. Correlation of self-differentiation and optimism with responsibility and marital satisfaction in nursing students. Journal of Health Promotion Management. 2018; 7 (2):58-65. <http://jhpm.ir/article-1-789-en.html>.